

آینهٔ بحار

سر مقاله: «نگرانی از سفر «استراو»»؛ امیرعباس نخعی

اگرچه تصور می‌شد و می‌شود که پیام «تغییر» مردم به‌اندازه کافی رسا و شفاف باشد، اما ظاهر برخی دوست دارند تا خود را به ناشنوائی برزند. بیان یک احتمال ساده مبنی بر حضور جک استراو وزیر خارجهٔ اسبق بریتانیا در مراسم تحلیف حسن روحانی...

واکنش تندروها را به‌همراه داشته. اما مشی قهر با دنیا و خط و نشان کشیدن و کافخواره خواندن و کشکی نامیدن به‌سر آمده، همه باید کمک کنند تا دولت جدید بتواند به اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور سروسامان دهد، گویا برخی یا ناگهی خواهند یا ناگهی فهمیدند! از دنیای تازه به‌گونه‌ای است که جز مخالفت و دشمنی پیام دیگری برای دنیا ندارند. بحث بر سر سفر یک دیپلمات به تهران نیست، بحث بر سر این است که این عده و همفکرانشان هیچ راهی را که به گشایش احتمالی بینجامد نمی‌شناسند!راه خودشان هم جز ورشکستگی کشور هیچ دستاوردی نداشته و فکر تازایی هم جز شمارهای کهنه ندارند.

اعتراض

سر مقاله: «یک اقدام مثبت»؛ فاطمه راکمی

به عنوان یکی از اعضا و موسسین حزب مشارکت لازم می‌دانم از صحبت‌های اخیر آقای عسگراولادی صمیمانه تشکر کنم. واقعیت این است که ما همواره دخالت پیشکسوتانی مانند ایشان را که به تحزب اعتقاد دارند و بسیار پیش از احزابی مثل حزب مشارکت، مجاهدین انقلاب اسلامی با اعتماد ملی فعالیت حزبی کرده‌اند، انتظار داشتیم. در هر حال، وقتی برخوردهایی از آن نوع که همه شاهد بودیم، در دولت دهم با احزاب فعال صورت گرفت و شخص رئیس‌جمهور و برخی از وزرا به نفی احزاب و تحزب پرداختند، انتظار برخوردی سوری بزرگ‌ترها می‌رفت. کسلی که کار حزبی می‌کنند و فعالیت‌های متشکل سیاسی دارند، به خوبی آگاهند که برای اداره بهینه امور کشور در چارچوب قانون اساسی وجود احزاب لازم و ضروری است. از طریق احزاب فعال می‌شود جلوی اشکالات و اشتباهات را در اداره امور کشور گرفت و مسؤولان را به خاطر درامد ملی و منافع ملت نقد کرد.

کیهان

«آتوبوس (گفت و شنود)»

گفت: برخی از مدعیان اصلاحات به آقای روحانی پیشنهاد کرده‌اند که به جای مسائل اقتصادی دست به توسعه سیاسی بزنند!

گفتم: یعنی همان کاری که دولت و مجلس اصلاحات کردند و در عوض خدمت به مردم، هر روز یک تنش آفرینند. گفتم: این طیف از اصلاح‌طلبان می‌گویند خدمات دولت احمدی‌نژاد به اندازه‌ای زیاد است که هیچ دولتی به گرد آن هم نمی‌رسد و هر کاری هم که بکند در مقابل کار احمدی‌نژاد، به چشم نمی‌آید.

گفتم: ولی رئیس‌جمهور منتخب تأکید کرده است که به وعده‌های خود وفادار است.

گفتم: خب! معلومه، آقای روحانی خیلی زرنگ‌تر از آن است که گول آنها را بخورد.

گفتم: چه عرض کنم؟! می‌گویند نیمه‌های شب، مسافر یک اتوبوس بیابانی، از نه اتوبوس می‌فت جلو و در گوش راننده چیزی می‌گفت و راننده با عصبانیت می‌گفت: مرد حسلی! خجالت بکش! ولسی بارو لو کن نبود. مسافرها پرسیدند مگه چی می‌گی؟! راننده گفت: می‌که اتوبوس رو چپ کن، یک کمی بخندیم!

جمهوری اسلامی

کمپین «نه» به کالاهای ایران

تعدادی از سازمان‌های حقوق بشر در عراق در اقلیمی عجیب خواستار تحریم کالاهای ساخت ایران شده‌اند... وسام العالی، رهبر این کمپین، گفت کمپین «صلح» درحال حاضر در استان‌های انبار، صلاح‌الدین، نینوا، بغداد و کرکوک و دیالی عراق فعال است. العالی در ادامه مدعی شد: این کمپین در استان‌های شرکت کننده، مورد استقبال خوبی قرار گرفته است و همچنین تلاش‌هایی برای تشویق استان‌های جنوبی در پیوستن به تحریم درحال انجام است... رئیس اتاق بازرگانی انبار، ادعا کرد که در این هفته دیده شده که صدها کلین ایرانی، بدون تخلیه محموله خود در حال بازگشت به ایران بوده‌اند. وی افزود که عراق هر سال حدود ۲۲میلیارد دلار کالای ایرانی وارد می‌کند.

وقت آفرین

سر مقاله: «بی‌پولی»؛ محسن جندقی

آخرین روز تیرماه اسفل (سفر)دا، آخرین شماره روزنامه «وطن‌امروز» منتشر خواهد شد. از چه کسی بپرسیم چرا تنها روزنامه خصوصی‌ای که پای انقلاب و آرمان اصولگرایی ایستاد نباید حمایت شود؟ چرا نباید حداقل پشت همه ایستان و از یکدیگر حمایت‌کردن را از منتقدان اصولگرایی یاد بگیریم؟ چرا باید تیم‌های فوتبال به یک فوتبالیست معمولی پول یک سال هزینه «وطن‌امروز» را بدهند اما در هر روز ۷۰ نفر از کارکنان روزنامه بیکار شوند و مسؤولان روزنامه شرمند؟ قرار دادهای زیر یکمیلیارد تومانی بازنگنان فوتبال موجب شرمندگی بازیکنان است اما چرا بسته شدن روزنامه موجب شرمندگی هیچ مسؤولی نشده است؟ یکی از مریبان خوب لیگ برتری چند روز پیش با منطق فوتبالی خود گفته بود: الان یک بازیکن فوتبال که زن و بچه دارد حداقل به یک خله ۲۵۰ متری احتیاج دارد و به علت افزایش قیمت خله، این پول‌های که بازیکنان می‌گیرند طبیعی است! اما هم با منطق رسانه‌ای خود می‌گوییم یک روزنامه‌نگار و کارکنان یک روزنامه هم به خانه احتیاج دارند، به در آمد کافی احتیاج دارند و به امنیت شغلی نیاز دارند. کارکنان یک روزنامه هم زن و بچه دارند اما ۴۰ درصد آنها مستاجر هستند و نمی‌دانند آیا فردا کار دارند یا نه

۴ انتخابات تمام شده و خیلی‌ها دوست دارند بدانند که این روزهای دکتر عارف چگونه می‌گذرد؟

انتخابات خیلی خوب برگزار شد و مردم هم، سنگ تمام گذاشتند و نشان دادند که هم به افزایش وفادار هستند و هم به ارزش‌ها و جایگاه کشور را در معادلات سیاسی بین‌المللی ارتقا دادند. من این روزها جلساتی دارم که مردم و گروه‌های مختلف مراجعه می‌کنند. نقطه‌نظرات و مطالبات مردم مطرح می‌شود. در عین حال گروه‌های مختلف به نوعی اعلام همبستگی و همکاری برای فعالیت‌های آینده می‌کنند.

۴ چه شد که تصمیم گرفتید در انتخابات حضور داشته باشید و چه شد که کناره‌گیری کردید؟

دلیل حضورم شرایط کشور بود. در طول سه، چهار سال گذشته با جوان‌ها و دانشجویان حشرونشر زیادی داشتم و احساس می‌کردم که شکاف عمیقی بین نسل اول انقلاب و نسل سوم ایجاد شده است، وقتی با آنها صحبت می‌شد متوجه می‌شدم که یک حالت بی‌تفاوتی و قهر کردن در آنها وجود دارد، حوادتی که در جامعه اتفاق افتاده بود به‌خصوص در دانشگاه‌ها که فضای امنیتی و بستنای حاکم بود در ایجاد این حالت در دانشجویان و جوانان نقش به‌سزایی داشت. با شناختی که از جوان‌ها داشتم احساس می‌کردم، می‌شود آنها را برگرداند. به همین دلیل به عنوان یک تکلیف به صحنه آمدم و مهم‌ترین دلیل برگرداندن و امیدوار کردن نسل جوان به آینده و ایجاد شور و شوق مردم به مشارکت در انتخابات بود که در هر دو بخش من هم در کنار دیگری که کمک می‌کردند که فضای خوبی شکل گیرد سبھی داشتم. برای من اجماع، همدلی، تفاهم و وحدت‌نظر همیشه مطرح و مهم بود و توجه داشتم به هزینه‌های زیادی که به دلیل تفرق در گذشته پرداخته‌ام. به همین دلیل از زمان جدی‌شدن کاندیداتوری، بحث اجماع را مطرح کردم. من از اردوگاه اصلاح‌طلبان آمده بودم، خودم را اصلاح‌طلب می‌دانستم. منش اصلاح‌طلبی را منش انقلاب می‌دانم و این را در طول ۳۰سال گذشته بارها مطرح کرده‌ام و فکر می‌کردم که برای ایجاد یک گفت‌وگو امنیتی و معقول باید به سمت اجماع برویم و این شعار را تا آخر ادامه دادم و به آن وفادار ماندم.

۴ چه برنامه‌ای برای سرمایه‌های اجتماعی دارید که به میدان سیاست آمدند و رای دادند؟

مساله اصلی حفظ سرمایه اجتماعی ارزشمندی است که خلق شد. ما در دوم‌خرداد هم این سرمایه اجتماعی را داشتیم اما به نمایندگانشان در بین مردم نشانده رای دادند، بخشی از پاسخگویی به این مطالبات وظیفه دولت است. ولی همه آن به عهده دولت نیست موردی که بیشتر تأکید دارم، وظیفه‌ای است که خارج و در کنار دولت به عهده جریانات سیاسی می‌باشند. در دولت اصلاحات تشکل‌ها ایجاد شدند اما چون آنچنان ناهادینه و عمیق نشدند، با تغییر دولت بسیاری از آنها از بین رفتند و غیرفعال شدند. ما باید تا تجربه دوران اصلاحات استفاده کنیم و تلاش کنیم که سازمان‌های مردمنهاد در متن جامعه ایجاد شود. با همین رویکرد در سال ۸۸ بنیاد امید ایرانیان را با وجود همه ناهم‌رانی‌ها و دشواری‌ها تشکیل دادیم و امروز یکی از کارهایی که ما در این بنیاد انجام می‌دهیم این است که به بیاییم و این تشکل‌ها را ساماندهی کنیم. منتها بخشی از مطالبات مردم در قالب تشکل‌های سیاسی شکل می‌گیرد. در مقطع فعلی به اندازه کافی خبر داریم، اما متأسفانه بخشی از این احزاب غیرفعال هستند یا حضور پررنگی از آنها نمی‌بینیم. یکی از راهکارهایی که می‌شود دنبال کرد فعال‌کردن این حزب‌هاست.

۴ فکر می‌کنید تا چه اندازه فضا برای فعالیت حزبی مناسب است؟

رویکرد حزبی را در فعالیت‌های سیاسی قبول دارم و یک ضرورت می‌دانم. باید تحزب را بپذیریم، اما یک زمینه اجتماعی را لازم داریم که نه مردم تجربه خوبی از تحزب دارند و نه ساختار دولتی ما آمادگی پذیرش تحزب را دارد و باید در هر دو بخش کار کنیم. زمانی که هر دو بخش آمادگی نسبی داشته باشند می‌توان حزب فراگیری تشکیل داد. تعریفی که از حزب فراگیر دارم این است که باید از پایین به بالا باشد کند تا به بالا به پایین. بسیاری از احزاب در سال‌های بعد از انقلاب از بالا به پایین شکل گرفته‌اند، عدای دور هم جمع می‌شوند که به منوابع یک تعداد محدود را ساماندهی کنند در این صورت به محض اینکه راس تشکیلات مشکلی پیدا می‌کند و کنار می‌رود حزب هم غیرفعال می‌شود یا می‌کند است که حذف شود. آنچه که در این مقطع مدنظر هست و ما با دوستان بر روی آن فکر می‌کنیم این است که اگر قرار باشد که یک حزب برپا شود و هم دراندگان این حزب ببینند که باید به نظر افراد تمکین کنند و تصمیم‌گیرنده اصلی بحث‌ها اصلی تشکسل هستند و انشالله در ساختار حکومتی ما حزب و تحزب جایگاه مناسب خود را پیدا کنند.

۴ آیا می‌توان اینطور پیش‌بینی کرد که محمدرضا عارف روزی رهبر جریان اصلاحات باشد؟

اولا من خودم را رهبر این جریان نمی‌دانم و عضوی از مجموعه اصلاح‌طلبان می‌دانم. بعد از این انتخابات مردم بروی ضرورت داشتن یک تشکل فراگیر حزبی تأکید بیشتری دارند. در گروه‌های مختلفی که دیدار می‌کنم تقریباً یکی از مطالباتشان این است که جریان اصلاح‌طلبی سامان سیاسی فراگیر پیدا کند.

۴ شما گفتید که از اول بر اجماع اصلاح‌طلبان تأکید داشتید، بعدها هم در مراسم‌هایی که برای شما و آقای روحانی تشکیل می‌شد، حرف از ائتلاف‌زده شد. اما روایت‌های مختلفی از این ائتلاف هست، ما می‌خواهیم روایت عارف از ائتلاف را بدانیم؟

فکر می‌کنم در شرایطی هستیم که باید یک دولت منسجم و قوی سر کار بیاید. فعلاً باید رئیس‌جمهور منتخب حمایت شود. دل‌های این طرح گ‌رهم این بود که حول محور آقای خاتمی هر اجماعی صورت نپذیرد، البته ساز و کار آن را وارد

سیاست



تکلیف

مه‌دی‌کروبی، شرق

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

روایت عارف از دیدار با روحانی

ظاهره ریاحی

هم‌استانی خاتمی است و معاون اولی او را تجربه کرده. بارها اعلام کرده بود در صورتی که اصلاح‌طلبان به اجماع برسند و اگر خاتمی بخواهد، از انتخابات کناره‌گیری می‌کند. به همین دلیل بعد از چندین‌ماه فعالیت انتخاباتی، در روز پیش از برگزاری انتخابات انصراف خود را از کاندیداتوری اعلام کرد. این روزها بیش از هر موضوع دیگری درباره محمدرضا عارف گمانه‌زنی‌هایی برای تصدی پست معاون‌اول رییس‌جمهوری برای او وجود دارد. عارف در گفت‌وگو با «شرق» توضیحاتی در باره اینکه چگونه نامزد انتخاباتی شد، چرا انصراف داد و از چگونگی حضورش در کابینه و دیدارهای خصوصی با روحانی، خاتمی و هاشمی پرده برمی‌دارد.

رویی هر کس اجماع شود می‌پذیرم. فلسفه اجماع این بود که اصلاح‌طلبان را به سمت اجماع و فعالیت انتخاباتی ترغیب کنم و البته متوجه هم شدم.

۴ دیدارهای مکرر با ایشان داریم.
بنا بر ضرورت با همه بزرگان دیدار و گفت‌وگو می‌کنم.
۴ آخرین باری که بیش از ۲۴خرداد با ایشان دیدار کردید چه زمانی بود؟
پنجشنبه قبل از انتخابات که ایشان به همراه سیدحسن آقایی خمینی و آیت‌الله بجنوردی و چند نفر از دوستان به منزل ما آمدند.

۴ راجع به چه موضوعی صحبت کردید؟
بحث‌ها خودمونی و دوستانه بود. البته عزیزان در مورد به‌اصطلاح کار بزرگی که من انجام دادم تقدیر و تشکر کردند.
۴ با آقای روحانی فقط یک دیدار داشتیم؟
نه، دو دیدار بود یک دیدار اوایل پیروزی ایشان صورت گرفت و یک دیدار روز ۱۵ تیر.

۴ گمانه‌زنی‌هایی درباره اینکه شما قرار است معاون اول شوید وجود دارد. این موضوع را تأیید می‌کنید؟
نه، تاکنون چنین پیشنه‌ای از طرف آقای روحانی نشده است.

۴ در دیدار دوم شما با آقای روحانی درباره چه موضوعاتی صحبت کردید؟
به‌صورت کلی درباره شرایط کشور و تشکیل کابینه‌صحبت کردیم.

۴ یعنی قرار است که در کابینه آقای روحانی باشید یا نه؟
ایشان پیشنهادهایی برای دیدار اولی به من ندادند.
۴ یعنی احتمال دارد که در جای دیگری باشید؟
به‌عنوان یک عضو هیات‌علمی دانشگاه صنعتی شریف و در فرهنگستان علوم و نهادهایی همچون مجمع تشخیص و شورایعالی انقلاب فرهنگی خدمت می‌کنم.

۴ عملکرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
عملکرد اصلاح‌طلبان در انتخابات ضعیف بود و به نظر من توهم شکست بر بخشی از اصلاح‌طلبان حاکم بود. بارها در جمع دوستان و در جلسات مختلف مطرح کرده‌ام که بدترین نگرش برای یک جریان سیاسی توهم شکست است.

۴ جقدر به مسایل فرهنگی و اعتلای فرهنگ و هنر در جامعه‌فکری می‌کنید؟

به هنر و فرهنگ علاقه‌مند هستم. انقلاب با یک انقلاب فرهنگی بود، یکی از مزیت‌های ما بخش فرهنگ و هنر است. برای استفاده از این مزیت باید انگیزه را در اهل فرهنگ و هنر بالا برد و زمینه لازم را برای بروز خلاقیت‌ها فراهم کرد و برای این کار باید فرهنگ را به اهل فرهنگ سپرد و با اعتماد میان را برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری با هدف تأثیر گذاری و جذب جوانان باز گذاشت در حقیقت باید پیشخوان فرهنگی کشور را برای پاسخگویی به نیاز مردم و نسل جوان و مصونیت‌بخشی جوانان از تهاجم فرهنگی تقویت کرد.

۴ آخرین کتابی که خواندید چه بود؟
کتاب‌های علمی زیادی را معمولاً مطالعه می‌کنم.
۴ در حوزه‌های دیگر چطور؟
یک مجموعه شعر نو بود به نام عاشقو لو نرفته» که به تازگی خواندم.

۴ پس می‌شود به حضور شما در عرصه فرهنگ امیدوار بود.
بسی سنی می‌کنم که حضور پررنگ‌تری داشته باشم ولی واقعا گرفتارم در دانشگاه و هم در مجامع دیگر اما تلاش می‌کنم حضور بیشتری داشته باشم.

۴ نگاه شما به فضای رسانه چگونه است؟
انقلاب با یک انقلاب فرهنگی و متکی به مردم بود. ما این را در حرف گفتیم و باید در عمل هم نشان دهیم. باید رسانه قوی داشته باشیم تا مطالبات مردم را مطرح کنند و نقد کنند. منتها تا رسیدن به آن رسانه‌ها خیلی فاصله داریم. من نقد جدی به خود رسانه‌ها دارم. ممکن است که بگویند محدودیت و مشکل داشتیم، اما کارهای هزینه‌دارد. نمی‌توانید کار بدون هزینه انجام دهید. دموکراسی هزینه‌دار. اطلاع‌رسانی هزینه دارد. هیچ راهی جز داشتن رسانه مستقل که مطالبات مردم

را در همه بخش‌های حکومت بیان کنند نداریم. رسانه‌ها عموماً مشکلات را در دولت می‌بینند یا رسانه‌ها تاکنون به روند قلاب‌نگاری انتقادی جدی داشته‌اند؟ در هیچ رسانه‌ای ما ندیدیم که چگونگی قانونگذاری را نقد کنند یا مصوبات مراجع قانونی را به نقد و بررسی بگذارند. در بهترین شرایط، رسانه‌ها به بخش‌های دولتی می‌پردازند و گاهی هم با تعاملی که با دستگاه‌های دولتی دارند به یکباره نظرشان ظرف یک‌مدت کوتاهی تغییر می‌کند. این برای رسانه مستقل مناسب نیست. رسانه باید مستقل بوده و به هیچ دستگاهی وابسته نباشد. شرایط موجود شرایط مناسبی نیست. برای نهادینه‌شدن رسانه‌ها به‌خصوص استقلال رسانه‌ها باید تلاش کرد تا آسیب‌پذیری آنها به حداقل برسد و رسانه‌ها در شرایط منطقی و بدون ترس و واهمه وظیفه اطلاع‌رسانی خود را انجام دهند.

۴ پس از اینکه احمدی‌نژاد در یک برنامه تلویزیونی دست‌انوازی خود را از دیگر دولت‌ها متمایز نشان داد، شما را

اعترافى شما را نسبت به ارایه آمار غیردقیق از مسوولان شاهد بودیم.

فکر می‌کنم همه مسوولان باید در ارایه آمار وسواس به خرج دهند. متأسفانه طی سالیان اخیر آمارهای غلط به مردم داده شد. این خیلی بد است و باعث می‌شود مردم به مسوولان اعتماد نکنند. درست نیست که درباره موضوعاتی همچون تورم هر مسوولی آمار متفاوت دهد و تذکر من کلی بود و اینکه نباید اعتماد مردم را سلب کرد. مردم باید صدردص به حرف دولت‌مدردان خود اعتماد کنند. بنابراین باید همواره اطلاعات دقیق و صحیح به مردم داده شود. مردم بهتر از مسوولان مسایل کشور را تحلیل می‌کنند و در جریان مشکلات کشور قرار دارند و با دریافت آمار و اطلاعات دقیق، مردم بهتر می‌توانند مسوولان را همراهی و کمک کنند.

۴ به‌نظر شما نقاط افتراق اصلاح‌طلبان با روحانی در چیست؟

نمی‌دانم. چقدر صحیح است که به این موضوع بپردازیم. در شرایطی که نیاز به همدلی داریم بحث روی اشتقاق و تفاوت اصلاح‌طلبان با رییس‌جمهور منتخب درست نیست اما همکاری زیادی وجود دارد. باید به فرد پیروز احترام گذاریم. مهم این است که الان آقای روحانی رییس‌جمهور است و باید بتواند منش، روش و دیدگاه و وعده‌های خود را در عمل پیاده کند.

۴ بیشترین مطالبات مردم در زمانی که در عرصه انتخابات بودید چه بود؟

در کونامنت مطالبات معیشتی بود. گرانی حدود ۸۰درصد جامعه را زجر می‌دهد همین‌طور مساله بیکاری، مسکن و اشتغال. اما مهم‌تر از آن منزلت مردم است که طی سالیان اخیر زیر سوال رفته است. یکی از شعارهای ما منزلت و عقابیت بود فضای امنیتی و نگاه قیم‌بانه به مردم، تأکید مردم را خشنودار کرده بود. بارها تأکید داشتم که باید بتوانیم منویات و آرمان‌های انقلاب را دنبال کار را به اهلس سپاریم. هنر باید توسط هنرمندان، فرهنگ توسط اهل فرهنگ، صنعت توسط صنعتگران اداره شود چون اینها بهتر از ما کار می‌کنند و بهتر از ما منافع و مسایل خودشان را می‌دانند.

۴ در جلسه اخیرتان با آقای روحانی، چقدر امید دارید که مطالبات مردم برآورده شود؟

ما امیدواریم، ما باید به این‌ها امیدوار باشیم. امیدوارم آقای روحانی با رایزنی‌ها و مشورت‌ها و تعاملی که می‌کنند یک دولت قوی تشکیل دهند که هماهنگ با ایشان باشد و بتوانند مطالبات مردم را بپذیری کنند.

۴ اکثر گروه‌ها وقتی صحبت می‌کنند می‌گویند ما سهم‌خواهی نمی‌کنیم اما علاتاقتق می‌افتد. شما وضعیت را چطور ارزیابی می‌کنید. آیا کسائی سهم‌خواه هستند؟

۴ بخش بزرگی از نیروها، اصلاح‌طلبان هستند که هستش‌ل‌خیلی فعال نبوده‌اند. کابینه‌دولت یازدهم خیلی برای اینها جای ندارد. تکلیف این افراد چیست و آیا آنها به سمت تشکل مدنی می‌روند؟

فعالیت که فقط عضویت در کلبینه‌نیست. کلبینه‌بخشی از حکومت و اداره کشور است. به نظر من باید نهادهای مردسالار را تقویت کرد. باید جمع‌پندی روشنی از عملکرد هست‌ساله اصلاحات داشت. بحثی که شده که تعداد بالای سازمان‌های مردمنهاد به یکباره فروکش کرد؟ سسی‌کنیم بر اساس منطق و اصول نهادهای مدنی شکل بگیرند تا آسیب‌پذیری کمتری داشته باشند. بر این باورم که هیچ راهی جز تحزب نداریم. در کشور ما انتخابات زیادی برگزار می‌شود، مجلس، ریاست‌جمهوری، شوراها و... فعالیت در انتخابات از راه حزب است. باید تحزب را بپذیریم. باید به تشکل‌های مدنی بهای لازم داده شود. باید جوانان را برای عضویت یا تشکل‌ها تشکل‌های مدنی تشویق کرد و تسهیلات لازم را در این زمینه فراهم کرد.

۴ شما گفتید که دوست ندارید درباره کناره‌گیری‌تان صحبت کنید. تأثیر کناره‌گیری شما در رای یک‌دوره‌ای روحانی چقدر است و آیا فکر می‌کنید که این رفتار شما برای سیاسیون الگویی شود؟

اجازه دهید من اینگونه سوال‌ها را جواب ندهم. مردم جواب دادند. کار خودم را وظیفه می‌دانستم. منتها مردم با بزرگی خودشان برخورد کردند و تحلیل‌های مختلفی از این کار شده است.

۴ بعضی از روزنامه‌ها اخیراً یادداشت‌های مختلفی درباره میزبان رای آوری شما به عنوان کاندیدای اصلاح‌طلب منتشر کرده‌اند. روزنامه کیهان، شما اخیراً گفتید که اصلاح‌طلبان در دام این فضاسازی‌ها نیفتند. با توجه به روحیه‌ای که از شما سراغ داریم فکر می‌کنید باز هم سکوت می‌کنید یا می‌خواهید جوابی به این مساله دهید؟

نه من چوایی نمی‌دهم. من بعضی جواب‌دانه‌ها را به قول معروف دنبال نخود می‌افشان رفتم می‌دانم و وقت پراختن به این مسایل را ندارم. نگاه ما باید مثبت باشد و نگاه اخلاقی مدارانه می‌تواند رقبا را قانع کند که به‌گونه دیگری رفتار کنند.
۴ می‌توانیم امیدوار باشیم که شما هر زمانی که در کابینه حضور پیدا کردید مطالبات مردم را بپذیری کنید؟
حضور در کابینه مربوط به من نیست و به آقای روحانی برمی‌گردد. اما خارج از کلبینه در حد توان، اینگونه مسایل را بپذیری می‌کنم.

ادامه از صفحه اول

نگاهی به ۳۰ تیر

دیوان لاهه پس از تشکیل جلساتی در روز ۲۱تیر ۳۱عدم‌صلاحیت خود را نسبت به شکایت انگلستان اعلام کرد که برای مردم ایران پیروزی درخشانی بود. همه مردم به شادمانی پرداختند. بر محبوبیت دکتر مصدق افزوده شد. آیت‌الله کاشانی به دلیل موفقیت ایران در این دادگاه اعلام جشن و شکرگزاری کرد. دکتر مصدق در تیرماه ۳۱ از شاه درخواست کرد که وزیر جنگ را مثل دیگر وزیران، خودش انتخاب کند. تا اتفاقی همانند ۲۳تیر پیش نیاید، شاه زیر بار نمی‌رفت و برخلاف قانون می‌خواست وزیر جنگ را خود انتخاب کند. بنابراین مصدق در روز ۲۵تیر سال ۳۱ از نخست‌وزیری استعفا داد. شاه هم بلافاصله آن را پذیرفت. زیرا شاه و درباریان و انگلستان منتظر چنین فرصتی بودند که دکتر مصدق خودش استعفا دهد و از نخست‌وزیری کناره‌گیری کند، تا دیگر بهانه به دست مردم و روحانیون مخصوصاً آیت‌الله کاشانی نیفتد که دوباره تظاهرات و اعتصاب‌ها پیش آید و مجبور شوند تانک و توپ‌ها را به خیابان‌ها بکشانند. این موقعیت مناسبی نبود که پیش‌آمد کرده بود. شاه به اشاره سیاستمداران انگلیسی یکی از مهره‌های شناخته‌شده و آزمایش داده و کارگشته را کاندیدای نخست‌وزیری کرد و اطمینان داشت که احمد قوام‌السلطنه می‌تواند غایله مصدق را تمام کند. روز ۲۹تیر همه احزاب، حتی حزب توده که تا آن زمان علیه مصدق فعالیت‌های اعلامیه‌ای صادر کردند و روی ۱– سقوط قوام ۲– تأمین آزادی‌های دموکراتیک ۳– اخراج کارشناسان آمریکایی و انگلیسی تکیه داشتند و همه برای تعطیلی و راهپیمایی روز ۳۰تیر دعوت به عمل می‌آوردند.

کارگران کارخانه‌های تهران و اصفهان جلسات و اعلامیه‌هایی در تأیید «جمعیت مبارزه با استعمار» منتشر کردند. من خودم در اصفهان به همراه عموی خود که کارگر کارخانه زاینده‌رود اصفهان بود در برخی از این نشست‌ها شرکت کردم.

در تهران نیز در همه خیابان‌ها مخصوصاً سبیه، ناصرخسرو و اطراف بازار ملو از جمعیت شد و مردم شعار می‌دادند که نشریات و جراید آن روز، مخصوصاً «باختر امروز»، «اطلاعات» و «کیهان» به‌طور مفصل گزارش کرده‌اند. زخمی‌ها و شهدای ۳۰تیر را در تهران تا ۸۰نفر نوشته‌اند. قوام‌السلطنه ساعت هفت‌بعدازظهر روز ۳۰تیر مجبور به استعفا و از تهران بیرون برده شد. دکتر مصدق مجدداً مقام نخست‌وزیری را عهده‌دار شد. روز ۳۱تیر مردم را خوشدار کرده بود. بارها تأکید داشتم که مردم به شادی و پایکوبی پرداختند. پلیس‌ها و نظامی‌ها مخفی بودند و به مقرها و پادگان‌هایشان برگشتند. و این نتیجه اتحاد و هماهنگی مردم بود که استعمار و وابستگان و مزدورانش را منکوب کردند. ولی انگلیسی‌ها دست‌بردار نبوده‌ند. بین ۲۲۰۰ و مذهب‌ها اختلاف انداخته. کودتای ۲۸مرداد ۱۳۰۸ را بر ملت ایران تحمیل کردند، مصدق را به زندان انداختند. آیت‌الله کاشانی را منزوی کردند و حتی اجازه ندادند که نام مصدق با آن همه خدمات و فداکاری‌ها بر کوچه یا خیابانی و یا موسسه‌ای گذاشته شود.

برای بزرگداشت شهدای ۳۰تیر در همه‌جای ایران مجالس برگزار شد و در تهران روز دوم‌مرداد در مسجد ارگ از سوی بازاریان و هیات‌های مذهبی و در روزهای دیگر و در جاهای دیگر مراسمی برگزار می‌شد که آیت‌الله کاشانی در برخی از آنها شرکت می‌کرد و پیوسته مردم را به آرامش و سازندگی و همکاری با دولت دکتر مصدق فرامی‌خواند. تا ۲۸مرداد سال ۳۲ سرنوشته‌ها و تحولاتی دیگر پیش آمد که احتیاج به بررسی دیگری دارد. امید که ملت ایران همواره موفق و پیروز باشند و بتوانند جامعه خود را از هرگونه بلیه‌ای دور نگاه دارند.

نگرانی چرا؟

بحث بر سر فهرست این کيفرخواست‌ها نیست، بحث بر سر آن نیست که آیا سیاست‌های شاه سابق توسط آمریکایی‌ها دیکته می‌شد یا آنکه بسیاری از آنها مولود فکر شاه و مسؤولان رژیم وی بوده است. بحث بر سر آن است که در ایران و پس از هشت‌سال سیاست‌هایی که توسط دولت اصولگرایان از سال ۸۴ تا امروز اعمال شد، مردم رییس‌جمهوری را انتخاب کردند اما آنها به آن سیاست‌ها، تغییراتی صورت گیرد. به بیان ساده‌تر، اگر مردم همچنان خواهان تداوم سیاست‌های هشت‌سال گذشته بودند، می‌توانستند نامزد دیگری را انتخاب کنند اما آنها به آقای روحانی اقبال کردند با علم به اینکه ایشان از رادیکالیزم و ادامه سیاست‌های خرجی تنش‌آفرین، فاصله خواهد گرفت. دست‌کم این مقدار را آقای روحانی به وضوح در مناظره‌هایشان نشان دادند. سؤال این است: چرا با استقبال غربی‌ها از انتخاب آقای روحانی استقبال نکنیم؟ چرا اصرار داریم که این فرصت را از بین ببریم؟ به علاوه، این استقبال و چراغ سبز که به سمت اصولگرایان گرفته نشده است، اگر موضع‌گیری چک‌استراوا یا ۱۲۰نفر از نمایندگان کنگره به ۹ مقام سابق بعد از انتخاب آقای احمدی‌نژاد در سال‌های ۸۴ تا ۸۸ با اتفاق افتاده بود احتمالاً حق داشتند آن را نادیده بگیرند و همچنان بر همان طبل سابق بکوبند. اما استقبال غربی‌ها به دنبال انتخاب آقای دکتر روحانی بوده است. نگرانی یا عدم‌استقبال اصولگرایان از «شاخه زیتون» غربی‌ها برای آقای روحانی و پاسخ‌دانه آنان به جای آقای روحانی، در حقیقت نادیده‌گرفتن تمایل و نظر قریب به ۹۱میلیون رای‌دهنده‌ای است که در ۲۴ خرداد، آقای روحانی و اصلاحات و اعتدال را برگزیدند. به بیان دیگر، ابتدایی‌ترین اصول مردم‌سالاری به ما می‌گوید اگر هم قرار است پاسخ منفی به استقبال غربی‌ها از سوی آقای روحانی داده شود، این پاسخ باید توسط خود وی صورت گیرد نه اینکه دیگران از سوی او به نام او، چنین پاسخی به غربی‌ها بدهند.